

## فیش منبر؛ بِسْمِ اللّٰهِ النُّورِ

### ویژه ایام فاطمیه

حضرت زهرا سلام الله علیها در دعای نور فرموده اند:

بِسْمِ اللّٰهِ النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَالنُّورَ مِنْ النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَّقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ ...

ترجمه: به نام خدایی که نور است، به نام خدایی که نور نور است، به نام خدایی که نوری بالای نور است، به نام خدایی که تدبیر امور به دست اوست، به نام خدایی که نور را از نور آفرید، ستایش و سپاس خدایی را که نور را از نور آفرید و نور را بر کوه طور فرود آورد، در - درون - کتابی نوشته شده، در طوماری گسترده بر پیامبری برخوردار از نعمتها.

دعای فوق، یکی از عمیق ترین دعاهایی است که از وجود نورانی اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است. موشکافی و واکاوی مفاهیم این دعا می تواند معارف عمیقی را در توحید برای انسان های تشنه حقیقت، آشکار کند. این دعا درباره نور است و خود، نوری است برای آشکار کردن بسیاری از معارف.

بسیاری از معارف را می توانیم با دقت در امور دنیوی اطراف خودمان بشناسیم. امام رضاع می فرمایند: «قَدْ عَلِمَ أُولُوا الْأَلْبَابِ أَنَّ مَا هُنَالِكَ لَا تَعْلَمُ إِلَّا بِمَا هَاهُنَا»<sup>۱</sup> لبّ در انسان به معنای عقل است؛ چون عقل در آدمی، مانند مغز گردو نسبت به پوست آن است. لبّ هر چیزی بهترین چیزی است که در آن وجود دارد.<sup>۲</sup> «اولوا الالباب» به معنای انسان های دارای عمق و صاحب عقل است. لذا ترجمه روایت فوق، چنین می شود: «به تحقیق، صاحبان خرد و آنهایی که دارای عمق هستند می دانند که آنچه که در آنجاست (یعنی در عوالم بالا) شناخته نمی شود، جز به آنچه که در اینجا وجود دارد.

بر اساس روایت فوق، اگر بخواهیم به عمق معارف پی ببریم باید از آنچه که در این عالم است به آن معارف برسیم؛ یعنی با واکاوی و جستجوی در اشیاء این عالم، به حقایق ملکوتی دست یابیم؛ زیرا

<sup>۱</sup> توحید صدوق، ص ۴۳۸

<sup>۲</sup> تفسیر واژگان قرآن کریم، ص ۵۹۰

اشیاء اینجایی، صورت و مثالی از اشیاء بالایی هستند. اصل هر شیئی در خزائن الهی است و خداوند به مقداری معلوم و محدود از هر شیء را در عالم ماده نازل می‌کند. «إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نَنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ»<sup>۳</sup> امام صادق ع می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ مُلْكَهُ عَلَى مِثَالِ مَلَكُوتِهِ وَ أَسَّسَ مَلَكُوتَهُ عَلَى مِثَالِ جِبْرُوتِهِ لِيَسْتَدَلَّ بِمَلَكِهِ عَلَى مَلَكُوتِهِ وَ بِمَلَكُوتِهِ عَلَى جِبْرُوتِهِ»<sup>۴</sup> عالم طبیعت، مثال و تنزل یافته عالم ملکوت است و عالم ملکوت، مثال و تنزل یافته عالم جبروت است؛ به همین دلیل خداوند، به وسیله عالم ملک، یعنی عالم ماده، به عالم ملکوت استدلال می‌کند و با عالم ملکوت، به جبروت استدلال می‌کند؛ به عبارت دیگر، خداوند هر کجا از عالم ملک صحبت می‌کند می‌خواهد انسان را به ملکوت و جبروت رهنمون کند.

چرخ با این اختران، نغز و خوش و زیباستی / صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت / بر رود بالا همان با اصل خود یکتاستی

در شناخت مفهوم نور و مصادیق معنوی آن نیز می‌توانیم به سراغ مصادیق دنیوی آن برویم و با دقت در آنها به برداشتی از مفهوم الهی نور برسیم. نور به شیئی گفته می‌شود که خود، روشن و آشکار است و موجب روشنی اشیاء دیگر نیز می‌شود. نور، در ذات خود، روشن است و روشنایی خود را از جای دیگری نمی‌گیرد؛ اما اشیاء دیگر برای روشن و آشکار شدن، محتاج به نور هستند. برخی از اشیاء از خود، نور دارند که در علوم طبیعی به آنها شیء «منیر» گفته می‌شود؛ مانند خورشید. برخی دیگر از اشیاء، نور خود را از موجودات نورانی می‌گیرند و از خود، نور ندارند. به این موجودات، «مستنیر» گفته می‌شود؛ مانند ماه. مطلب دیگر درباره نور مادی این است که اشیاء نورانی دارای مراتب و درجات متفاوت و دارای شدت و ضعف هستند. این مطلب نیازی به استدلال ندارد و هر انسانی در زندگی خود با اشیاء متعددی مواجه می‌شود که دارای نور شدید و ضعیف هستند.

با توجه به مطلب فوق باید به سراغ نور معنوی برویم و آن را واکاوی نماییم تا معنای اطلاق نور بر خداوند و موجودات فرامادی را دریابیم. خداوند متعال، خالق همه موجودات است. خداوند، موجودات

<sup>۳</sup> سوره حجر، آیه ۲۱

<sup>۴</sup> شرح العیون فی شرح العیون، ص ۷۰۴

را از عدم به وجود آورده است؛ «خلق الأشياء من العدم»<sup>۵</sup> وجود دادن و خلقت از عدم، نوعی آشکار کردن و ظاهر نمودن است. خداوند، خود، اصل وجود است؛ لذا آشکار و ظاهر است؛ زیرا آنچه که وجود دارد، آشکار است و آنچه که معدوم است، مخفی و در ظلمات است. از طرفی، خداوند به موجودات دیگر، وجود می‌دهد؛ پس آنها را آشکار می‌کند. نتیجه این که خداوند، خود ظاهر و آشکار است و موجودات دیگر را نیز ظاهر و آشکار می‌کند. چنین موجودی مطابق تعریف، نور است. معنای نور بودن خداوند معلوم شد.

همه نورهای دیگر توسط خداوند خلق می‌شوند؛ «خلق النور» لذا او نوری است مافوق همه نورهای دیگر؛ «نور علی نور» او برخی از موجودات را با واسطه موجودات دیگر خلق می‌کند؛ پس نور را از نور خلق می‌کند؛ «خلق النور من النور» بسیاری از اشیاء دیگر، همچون ستارگان، نور دارند، اما خداوند نور آنهاست؛ «نور النور»

اهل بیت علیهم السلام نیز نور هستند؛ خداوند متعال خالق این انوار است و انوار دیگر در عالم ملکوت را به وسیله نور اهل بیت علیهم السلام خلق نموده است؛ «خلق النور من النور»